

## سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان

### شیوه درست

### بر خورد با خطاها

در تباه سرفاله شماره پیشین در مورد دوره جدید "توفان" بر مبنای گزاره آن، لا زست که مطلب را بیشتر شگفتا و سخنی تازه گفت:

مادرهای راطی کردیم و شما ره پیشین در راهی جدید آغاز نمودیم. آنچه چنین تغییر را ایجاد میکند، تنها تمایل و خواست مستقیم ما نیست، بلکه واقعیت است. این واقعیت است که ما در این شرایط، این ضرورت نتیجه تغییرات و تحولاتی بود که در روزگار ما در این شرایط، این تحولات - همانند گذشته و پیشین نیز بد این اشاره ای رفت - نتیجه مبارزاتی بود که ما با آنها مکرر و پیوسته در این دوره با بعضی از خطاهای نادقیق از مسائل جنبش مارکسیستی - لنینیستی و سایر بخش نظاهرات و نمودهای ناصحیح در کار و روش خویش انجام دادیم. از این جهت میتوان گفت که پس از تصحیح خویش کار ما در مرحله اول در این بر مبنای جدید قرار گرفت و آنجا ناچاراً کار "توفان" را نیز بر مبنای بنیاد نوین استوار ساختیم.

رفتای ما در این زمانه از کارهای سازمان و بررسی اشتباهات و خطاهای گذشته بنا بر این قرار گرفته است. آنچه احتیاج در بررسی موارد باشد بدترین و سرسختانه ترین بگیری و خطاهای ما را در گذشته مورد انتقاد قرار دادند. ما با چنین رویه ای، یعنی با رسیدگی به خطاهای گذشته، پیدا کردن علل آن و کوشش در راه رفع این علل و توانستیم سازمان خود را واقعاً تکامل دهیم و برای جنبش مارکسیستی - لنینیستی میهنان مثبت تر باشیم.

اما در این مسائل و مشکلات سرگردان در چندین مرحله ای، ما واقعاً با مسئله و وظیفه خطیری روبرو گردانیم. این وظیفه که باید صورت انجام آن را بدین گونه در نظر بگیریم و کوشش در وقت و از خود که شنگی همواره بکار برد و انجام وسط دادن شیوه ای انتقاد و انتقاد از خود و رعایت آن در تمام فعالیتهای انقلابی است.

شک نیست که یک انسان همیشه اشتباه میکند و یک سازمان سیاسی نیز همواره دچار اشتباهاتی خواهد گشت. ولی مسئله مهم - خورد با این اشتباهات است. ما این خطاهای اصولاً بر اثر وجود شرایط خاصی و خاطرات تاریخی و شرایطی چند بر آن شرایط بوجود می آیند.

برای رفع این اشتباهات، برای برهیز از خطاهای بعدی و مینظور جلوگیری هر چه بیشتر از خطا و اشتباه در کار و تنها یک راه علمی وجود دارد و آن برخورد انتقادی با این اشتباهات است. تجزیه و تحلیل زمان اشتباه و مبرور آوردن علل اساسی اشتباه است. یکسار نیستن چنین شیوه ای در بر اثبات زندگی و مبارزه، بمعنی فساد و نبودن به حل اشتباهات رخداد در زندگی و مبارزه، بمعنی رشد و تکرار این اشتباهات و شکست در کار است. اجرای شیوه انتقاد از خود، لازم هر گونه پیشرفت و تغییر و تحولی در امور مربوطه به

حاجه و انسان میباشد. بدین صورتی انتقاد از خود من آموزش را در کار انقلابی است. مارکسیسم - لنینیسم در واقع آموزش است. بکنه مارکس: "زنا انتقادی و انقلابی" به بدینجهت منتقدان بدون اجرای شیوه انتقاد از خود نمیتوان مارکسیسم - لنینیسم را در عمل بکار برد. بلکه حتی بدین آفتاد بر فرا گرفتن این آموزش عظیم انقلابی نخواهیم بود. برای آموزش عیب مارکسیسم - لنینیسم و بکار بستن آن در عمل، باید فکر خود را زمان به زمان از افکار ناسالم غیروولتیری هائی بخشید. باید خود را تغییر داد. باید امروز بهتراز دیروز و فردا بهتر از امروز گشت. این امر صورت نشود. پذیرفتن آنکه هیچ نقایصی و اشتباهاتی که امروز در کار ما وجود دارد، باید در عمل آنرا بایم و آنرا زمین ..... بنیاد در صفحه ۳

## انتخابات و انتخاب یکی از دوره

عقب نشینی "تن در داده" جز در یک مورد که آزاد بهای در مکر - نیک است تحلیل آنها مطلقاً این نتیجه میانه جاده کاین جهت با ما بر جهات رژیم محمد رضا شاه نمیخواند. چه میشد اگر این حکومت "عقب نشینی" این جهت در دیگران نیز مشمول "عقب نشینی" می ساخت؛ نامه نویسی روزیونیستها در مورد انتخابات از این امید سرچشمه میگردد.

نکه اساسی که در تحلیل روزیونیستها فراموش میشود این است که هر دو ولی ماشین دیکتاتوری طبقه معینی است و در شرایط یک انقلابی کنونی جهان، در شرایطی که نقشهای مردم فریب نیکوگنای لیستی امپریالیستها را در هر دو طرفه از این خلیفان - از این جنبه گرفته تا امریکای جنوبی از هم در دیده میشود، در شرایطی که کمترین آزادی بهای در مکر تیک برای رژیم های دست نشانده امپریالیسم قابل تحمل نیست، در شرایطی که امپریالیسم برای احیا کوششهای آنرا آزاد بهای در مکر تیک برای استقرار حکومت هائی نظیر حکومت محمد رضا شاه به توطئه های جنایت باری مانند

فردتای ۲۸ مرداد در ایران و فواید تای اخیر در یونان و در سیمه کاری خون چکان در راندن و نزی دست میزند و رژیم محمد رضا شاه که از نافع استثمارگران و ایستد با امپریالیسم و از امپریالیستها دفاع میکند جز با سرکوب و جسیانه مردم نمیتواند سر بیاورد. همین که محمد رضا شاه جرات کمترین تحقیر در مردم کنی ندارد به نظر نشانه آنست که آنچه عمل کرده و میکند جز ضربه بر نافع اساسی مردم نیست و از لحاظ انقلاب خلق ایران منفی است نه مثبت.

اما روزیونیستها این بیگانه و نظیم و خونخواری را که در عرصه جهان و ایران در گرفتار است نمی بینند. شرایط واقعی را از دیده فرو میگردد و منتظرانند که محمد رضا شاه نیز جوش بر خشم و کین ایران را در سی تیر ۱۳۳۰ و ۲۵ مرداد ۱۳۳۲ (که مندرجه فرار از لیلانه اواز ایران گردید) و ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ ضربه و فیه - که هنوز کابوس وحشتناک زندگی است - از صفحه خاطر بزداید و بدست خود شرایط تجدید چنین حوادث را فراهم آورد!

چنان انتقادی از روزیونیستها بعید نیست و طبیعی است ولی چنین ساده لوحی از محمد رضا شاه در حیرانگان نیست و بیسیز طبیعی است.

حجتت سازی "انتخابات" در روزیون ایران برای هیچکس عجب آور نبود. همه میدانستند که از حکومت مزدوران ستیکار و راهزنان مردم فریب جز این نمیتواند. ولی شاید روش روزیونیستها نیستیهای حزب توده ایران در این حادثه برای برخی از ناظران سیاسی مبرور از انتظار بود. روزیونیستها در چنین شرایطی نامه به "مجلس شورای ملی" نوشتند که به "مسئولیت" خود توجه کند و پیشنها کرد که انتخابات بعلت فقدان آزادی بهای در مکر تیک به عقب بپشت تا تقریباً آزادی بهای در مکر تیک بخلق داده شود و سپس انتخابات بعمل آید.

همه کس میدانند که اگر منظور نویسندگان نامه کک بافشا "انتخابات" نشاید این کار باشد و در اعلامیه های خطاب به مردم ایران میسر میگردد. ولی وقتی که نامه به "مجلس شورای ملی" نوشته میشود و چنین پیشنهادی در بر دارد، بآن معناست که احزاب آزاد بهای در مکر تیک در روزگار همین محمد رضا شاه، همین حکومت دشمن خلق امکان پذیر است و این اطمینان را از طریق "نامه نویسی" هادیتوان بعمل در آورد. روزیونیستها با نامتوسی خود در واقع در کار کردند. نیکو جلوه گیری از قطع امید مردم از حکومت موجود و در یگانه طریقی که همه "امپریالیستهای اعلیحضرتها" در پیش داشته و دارند.

شاید برخی از ناظران سیاسی هنوز پیرو نویسی روزیونیستها را تا این پایه تصور نمیکنند.

اما واقعیت آن است که چنین اپورتونیستی نتیجه اجتناب ناپذیر جهان بینی و سیاست کلی روزیونیستهاست. بهارزیایی آنها از حکومت محمد رضا شاه نظری بیگنید تا این حقیقت روشن شود. از برای مذکور صورت خلاصه بی شاخ و برگ چنین است: اصلاحات ارضی شاه مثبت است "آزادی در آن"؛ اوزنان مثبت است "مزد بیک سیاسی او را کشور اتحاد شوروی و مالک ارضی شرقی مثبت است"؛ مصادفات آنها به ایشیت است "سلاح خریدن اواز اتحاد شوروی مثبت است. . . . و ما باید کان کشور اتحاد شوروی را با راه اندازند که هنوز مثبت های - از یکی در واقع محمد رضا شاه است که رأینده طالع خواهد شد. محمد رضا شاه - به عقیده روزیونیستها - در همه این جهات مهم زندگی اجتماعی به

## جنگ ویتنام

### وجه جهانی خلق هابو ضد امپریالیسم آمریکا

مینیک و غیره می جنگد و یک روزیونک تالی فاشیستی جنگ مردم ایران و یونان می آید. یک روزیونک شته ژنرالهای جیره خوار از مات اند و - نری خون میگرد و یک روزیونک اسرائیل گنوی حلقهای عرب را میفشارد. وجهه ارتجاعی او جهانی است.

از اینجهت حزب زحمتکشان ویتنام بنیادینگی خلق در ایران کشور و حق میگوید که "ما برای استقلال و آزادی میهن خویش و بر عین حال برای هلیج و امرانقلاب در سراسر جهان می جنگیم".

پیروزی خلق ویتنام پیروزی خلقهای جهان است. شکست امپریالیسم امریکای رجبیه ویتنام تاثیر عمیق در مواضع امپریالیسم در سراسر دنیا و از آن جمله در کشور ما ایران خواهد داشت. از اینجهت کک به خلق ویتنام از طریق گشودن جبهه های تازه مبارزه ضد امپریالیسم، از جنگ خود های گرفته تا نامشای سیاسی، و وظیفه کلیه خلقهای جهان است. امروز هر فردی از هر جامعه ای باید در یاد که جنگ ویتنام جنگ اوست و او باید در بریا زود بطور قطع یکی از دوره را بر بگیرد: بر ناستن و بیگار کردن یا سر فرود آوردن و بندگی کردن.

امپریالیستهای امریکائی که شکست قطعی فضیحت پاروش واد رویتنام پیش از این حس میکنند و از تاثیر جهانی این شکست بر خود میترسند در عین حال که هر روز گام تازه ای در راه جنایت بر میدارند در سیمه "صلح" راه پیش کشیده اند تا آنچه از راه جنگ بدست نیامده است از راه "صلح" بدست آرند و از فرار بیدن شکست آخرین خویش جلوگیری کنند. ولی هشیاری خلق ویتنام و خلق های دیگر بر این سیمه . . . . بنیاد در صفحه ۳

جنگ ویتنام جنگ در ورفانده و منفردی نیست بلکه جنگی است در کنار ما و در کشور ما.

جنگ ویتنام وجدان هر فرد بشری را و میدارد که یکی از چیزهای برگیرند: با اسارت امپریالیستها و آزادی ملتها.

این مضمون از نامه ای اقباس شده که اخیراً در ای فیلد ارا فرانسوی همگاران ویتنامی خود نگاه شده و نشانده آنست که چگونه وجدان مردم جهان نسبت به جنگ ویتنام پیدا میشود.

جنگ خلق ویتنام جنگی در ورفانده و منفردی نیست، آشفشان عظیمی است از سلسله آشفشانهای کوچک و بزرگی که در سراسر گیتی در زمینهای امپریالیسم سر به طغیان گه اشتفاند. جنگ خلق در لاوس، در بربره، در تایلند، در فیلیپین، در رکنگو، در رکنگی، در پرو، در روزنولا، و غیره و شکلهای دیگر مبارزه بر ضد امپریالیسم و گاشنگانش از آن جمله نبرد سیاهان در امریکای همگی همزاد و هم گهر جنگ خلق ویتنام اند. همگی در یک جبهه اند: در جبهه استقلال و آزادی. در برابر آنها نیز یک جبهه قرار دارد: جبهه امپریالیسم و گاشنگانش. بر سر گردن امپریالیسم امریکا، این جبهه با مسائل گوناگون عمل میکند: نفوذ اسارت و اقتصاد، تفاوت طبقات ارتجاعی، بد اخلاقت غیر مستقیم سیاسی و نظامی، گرد تاها فاشیستی و با لآخره مد اخله مسلحانه، ولی ما بهت کلیه اقداماتش یکی است: با مال کردن استقلال و آزادی ملتها. جنگ امپریالیستی نیز جنگی در ورفانده و منفرد نیست، جنگی است که در سراسر جهان، صغی و آشدار، مستقیم و غیر مستقیم بر ضد سلیقه های جهان در رگیر است. امپریالیسم امریکای روزیونکشی با خلق کنگو و سن دو

مسائل جنگ و صلح و جنبشهای آزاد پیشتر یکی از شاخه‌های اساسی اختلاف در جنبش جهانی کومنیستی بشمار می‌روند. مارکسیست - لنینیستها میگویند مسائل فوق از آن دسته است که واقعاً مورد بررسی قرار دهند و حال آنکه روزیست‌ها این مسائل از زاویه آرزوها و خیلات خویش می‌نگرند. وصل آنها را نیز در همین دسته می‌چینند. تشنجات و حراتهای اخیر یکدست مناطق مختلف جهان بوقوع پیوست برای کسانی که بد نال و اقصیات دیگر نسیسمه تشخیص حق را از باطل آسان ساخت. کسانی که بد نال و اقصیات دیگر ند به خوبی مشاهده کردند که جبهه روزیست‌ها از راهی از فرسایشها امپریالیسم در آمده است و چگونگی در لحظاتی لازم آب یقیناً به حاصل جنگ طلب جهانی می‌رود و اجرای نقشه‌های ضد انسانی آنان را تسهیل مینماید. تشنجات و حراتهای سالهای اخیر میان مارکسیست - لنینیستها و روزیست‌ها در بیرون‌تولیدی بوجود آورد که بر روی کشفه‌هایش شاهدان آشکاره گواهی می‌دهند و اینهمه و بنام و جنگ چین و هند و استان و پاکستان و هند و استان و اعصاب و اسرار و صلحها تجربه گرانمایه دیگری گردیده است. کنگه این تجربیات متعلق به دوران اخیر میباشند. بطوریکه حتی افراد کم حافظه نیز جبهه‌های روزیست‌ها را در مسامحه و انحراف نکرده‌اند. برای کسانی که سودای تیرد با امپریالیسم را در سر دارند آزمون مسائل مورد اختلاف در زمینه‌های جنگ و صلح و جنبشهای آزادیبخش حائز اهمیت بی‌پایان است. خطوط کلی این اختلافات به قرار زیر است:

# جنگ و صلح

## و جنبشهای آزادیبخش

۱- روزیست‌ها همین جنگهای آزادیبخش و جنگهای تجاوز کارانه نقاشی قائل نیستند. هر دو آنهارا بیک اندازه خطرناک و ناکسیدانند و بنابراین عملاً هر دو آنهارا بیک نحو محکوم می‌سازند. آنها معتقدند که از زمان پیدایش سلاحهای هسته‌ای دیگر تفاوتی بین جنگهای حقیقی و جنگهای حقیقی باقی نماند. جنگ است. "جنگ استی" جنگ استی به پرسنسیطی باقی نماند نیست. "ویا" جنگ استی به این کاری نماند که چه کسی امپریالیست و چه کسانی زحمتکش هستند. (از نامه سرگامد معزب کومنیست شوروی ۱۹۶۳) از آن چنین نتیجه میگیرند که جنگهای ستم‌دهنده آسیا و آفریقا و امریکای لاتین بایستی برای جلوگیری از جنگ هسته‌ای که بعقیده آنها تمام بشریت را نابود خواهد کرد - از انقلابها و جنگهای آزادیبخش خود صرف نظر نمایند. روزیست‌ها برای ایران نیز در دفاع از سیاست باجفستی دولت شوروی چنین تبلیغ مینمایند:

"اگر کشورهای سوسیالیستی... برای از بین بردن کاره‌های تهاجمی و گواهی و خاتم بین المللی نگوشند و اجازه دهند که تصادم محلی به تصادم بزرگ تبدیل شود پیشک جهان دور نمانی جز حریق هسته‌ای عالمگیر در پیش نخواهد داشت." (ماهنامه مردم شماره ۲۹) بنابراین اگر روزیست‌ها در برخی مواقع لفظاً از جنگ آزادیبخش و بنام دفاع می‌کنند قطعی است که جنگهای آزادیبخش نظیر آنچه در ویتنام درگیر است ممکن است به "تصادم بزرگ بدل شود" و بی‌شک جهان را به "حریق هسته‌ای عالمگیر" بکشاند و بنا به نتیجه‌گیری آنها چنین جنگی نمیتواند مثبت باشد.

مارکسیست - لنینیستها جنگهای تجاوزکارانه را ستم‌دهنده می‌دانند و ولی این بین جنگهای تجاوزکارانه و جنگهای آزادیبخش تفاوت قائلند و جنگهای حقیقی طلبانه طلبها را هیچگاه محکوم نمیکنند. مارکسیست - لنینیستها پشتیبانی از مبارزات انقلابی طلبها و از

۱- روزیست‌ها همین جنگهای آزادیبخش و جنگهای تجاوز کارانه نقاشی قائل نیستند. هر دو آنهارا بیک اندازه خطرناک و ناکسیدانند و بنابراین عملاً هر دو آنهارا بیک نحو محکوم می‌سازند. آنها معتقدند که از زمان پیدایش سلاحهای هسته‌ای دیگر تفاوتی بین جنگهای حقیقی و جنگهای حقیقی باقی نماند. جنگ است. "جنگ استی" جنگ استی به پرسنسیطی باقی نماند نیست. "ویا" جنگ استی به این کاری نماند که چه کسی امپریالیست و چه کسانی زحمتکش هستند. (از نامه سرگامد معزب کومنیست شوروی ۱۹۶۳) از آن چنین نتیجه میگیرند که جنگهای ستم‌دهنده آسیا و آفریقا و امریکای لاتین بایستی برای جلوگیری از جنگ هسته‌ای که بعقیده آنها تمام بشریت را نابود خواهد کرد - از انقلابها و جنگهای آزادیبخش خود صرف نظر نمایند. روزیست‌ها برای ایران نیز در دفاع از سیاست باجفستی دولت شوروی چنین تبلیغ مینمایند:

"اگر کشورهای سوسیالیستی... برای از بین بردن کاره‌های تهاجمی و گواهی و خاتم بین المللی نگوشند و اجازه دهند که تصادم محلی به تصادم بزرگ تبدیل شود پیشک جهان دور نمانی جز حریق هسته‌ای عالمگیر در پیش نخواهد داشت." (ماهنامه مردم شماره ۲۹) بنابراین اگر روزیست‌ها در برخی مواقع لفظاً از جنگ آزادیبخش و بنام دفاع می‌کنند قطعی است که جنگهای آزادیبخش نظیر آنچه در ویتنام درگیر است ممکن است به "تصادم بزرگ بدل شود" و بی‌شک جهان را به "حریق هسته‌ای عالمگیر" بکشاند و بنا به نتیجه‌گیری آنها چنین جنگی نمیتواند مثبت باشد.

مارکسیست - لنینیستها جنگهای تجاوزکارانه را ستم‌دهنده می‌دانند و ولی این بین جنگهای تجاوزکارانه و جنگهای آزادیبخش تفاوت قائلند و جنگهای حقیقی طلبانه طلبها را هیچگاه محکوم نمیکنند. مارکسیست - لنینیستها پشتیبانی از مبارزات انقلابی طلبها و از

۱- روزیست‌ها همین جنگهای آزادیبخش و جنگهای تجاوز کارانه نقاشی قائل نیستند. هر دو آنهارا بیک اندازه خطرناک و ناکسیدانند و بنابراین عملاً هر دو آنهارا بیک نحو محکوم می‌سازند. آنها معتقدند که از زمان پیدایش سلاحهای هسته‌ای دیگر تفاوتی بین جنگهای حقیقی و جنگهای حقیقی باقی نماند. جنگ است. "جنگ استی" جنگ استی به پرسنسیطی باقی نماند نیست. "ویا" جنگ استی به این کاری نماند که چه کسی امپریالیست و چه کسانی زحمتکش هستند. (از نامه سرگامد معزب کومنیست شوروی ۱۹۶۳) از آن چنین نتیجه میگیرند که جنگهای ستم‌دهنده آسیا و آفریقا و امریکای لاتین بایستی برای جلوگیری از جنگ هسته‌ای که بعقیده آنها تمام بشریت را نابود خواهد کرد - از انقلابها و جنگهای آزادیبخش خود صرف نظر نمایند. روزیست‌ها برای ایران نیز در دفاع از سیاست باجفستی دولت شوروی چنین تبلیغ مینمایند:

"اگر کشورهای سوسیالیستی... برای از بین بردن کاره‌های تهاجمی و گواهی و خاتم بین المللی نگوشند و اجازه دهند که تصادم محلی به تصادم بزرگ تبدیل شود پیشک جهان دور نمانی جز حریق هسته‌ای عالمگیر در پیش نخواهد داشت." (ماهنامه مردم شماره ۲۹) بنابراین اگر روزیست‌ها در برخی مواقع لفظاً از جنگ آزادیبخش و بنام دفاع می‌کنند قطعی است که جنگهای آزادیبخش نظیر آنچه در ویتنام درگیر است ممکن است به "تصادم بزرگ بدل شود" و بی‌شک جهان را به "حریق هسته‌ای عالمگیر" بکشاند و بنا به نتیجه‌گیری آنها چنین جنگی نمیتواند مثبت باشد.

مارکسیست - لنینیستها جنگهای تجاوزکارانه را ستم‌دهنده می‌دانند و ولی این بین جنگهای تجاوزکارانه و جنگهای آزادیبخش تفاوت قائلند و جنگهای حقیقی طلبانه طلبها را هیچگاه محکوم نمیکنند. مارکسیست - لنینیستها پشتیبانی از مبارزات انقلابی طلبها و از

وقتی هم که آشکار شد که برای سرطمان در از نزد آنها انانان از معالجه و خود داری روزیست‌ها تا آنکه که در همان مکان معالجه اساسی از بین رفت. آن وقت پس از هفت سال بوی اجازه خروج از زندان در آن تیساری توصیه پزشکان در جستجوی معالجه رهسپار اروپا شدند. مدتی در اطریش معالجه‌های مشغول بودند این اروپا جابجایی نوانی بیشتر او کرد و تا آنکه توانست خود را به چکسلواکی برساند.

تیساری یکی از قربانیان رژیم خونخوار محمد رضا شاه است. تیساری تا نفس و آسین به آرمانهای اجتماعی وفادار بود. از این جهت همه مردم شرافتمند ایران به خاطر وفاداری او در احوال بودند و آنرا عزیز خواهند داشت.

### درگذشت تیساری

روز ۳۰ مرداد ماه گذشته ملت ایران یکی از فرزندان عزیز خود را از دست داد: هوشنگ تیساری در یکی از بیمارستانهای پراگ در چهل سالگی درگذشت.

وی پس از گذشتن ۲۸ مرداد ۱۳۲۲ در شمار افسرانی بود که بچرم وفاداری و به خلق ایران دستگیر شدند. تیساری به سپس ابد با محکوم گردید و در ارتش کجده هاشمی به طاقت فرسای زندان از سال ۱۳۳۶ تا ۱۳۴۰ در زندان ریگال بیماری گرفتار بود.

همچنین خورشید پیرزنگ... به پیوسته در صفحه ۳

جنگ و صلح . . . . . متفقا اتفاق داند که شوروی و آمریکا  
 " میتوانند برای هملیات و کوششهای مشترک خود بر مبنی بر ایجاد  
 رفاه مجموعه بشریت پایه های استواری سازند " تلگراف تبریک  
 خروش و برزف به گندی ریمناسیت آغاز سال مسیحی ( ۱۹۶۳ ) .  
 خروش در سخنرانی خود در ۲۳ سپتامبر ۱۹۶۰ و در مجمع عمومی  
 سازمان ملل متحد اظهار داشت " شوروی و آمریکا میتوانند دست  
 در دست یکدیگر به پیش روند تا صلح و استحکام بخشد و صلح  
 همکاری واقعی جهانی برای کلیه دول بوجود آورند ."

ولی مارکسیست - لنینیستها باید اعتقاد ندارند که صلح جهانی  
 در اثر همکاری شوروی و آمریکا قابل حل خواهد بود . ما اینان معتقد  
 . برای ایجاد صلح جاودانی با یستی خلقهای سرسبز جهان متحد  
 شوند و با مبارزات پیگیرشان هملات نقشه های جنگ طلبانه را برپا  
 واقع گرداند . خلقهای جهان با یستی در مقابل امپریالیسم بسا  
 شجاعت تمام از حقوق خود دفاع کنند ، چنانکه خلقهای جهان  
 به خفت و خوار شدن در نهند و از نیروی امپریالیسم و سلاحهای او  
 بهراسند ، جرات امپریالیسم افزایش خواهد یافت و خطر جنگ

پهلوست فزونی تر خواهد گردید . بنابراین خفت و خوار بودن در دامن  
 به امپریالیسم - برای حفظ صلح - هیچگونه کنکری به امر  
 صلح نمینماید . بلکه امپریالیسم جرات خواهد داد که بسه  
 جنگهای دیگری دست برد و نجات بشریت را با زهم بنا خیراند از  
 بنا بر این مرد همچنان ناگزیرند که امپریالیسم با سلاح خود او  
 بچنگد . اگر اگوسته دست برد با او مقابله کند و در مقام سرکوشی  
 برآیند ، تا امپریالیسم وجود دارد خطر جنگ سایه خود را بر

روی کره زمین باقی خواهد گذاشت . این حکم صحیح دوران ما  
 است . خلقهای جهان با یستی آماج ضرب و سببه جنگ ، یعنی  
 جبهه جهانی امپریالیسم و سگهای تجزیه طلبی باشند . تا وقتی امپریالیسم  
 وجود دارد ، تضاد های طبقاتی وجود دارند . و تضاد های طبقاتی  
 از این نرفته اند که خطر جنگ منفی نیست . در این واقعیت نیست  
 قدرت سلاحهای هسته ای بونه تعادل ژنرالهای آمریکائی نمیتواند  
 کوچکترین تغییری دهد .  
 استمالین با بررسی علمی تضاد های عمده جهانی واقعی را  
 تأیید کرد که قبل بر عهد از او نیز مورد قبول کلیه مارکسیست لنینیستها  
 بوده و هست ؛ " برای از بین بردن ناگزیری جنگها ، با یستی  
 امپریالیسم را نابود کسرد "

۶- روبرویونیستها تنها به منع و تحریم جنگهای آزاد بپوشش  
 اکتفا نمیزنند . آنها با خوبی مشاهده میکنند که امروز خلقهای اسیر  
 سرسبز جهان پیدا شدند و دیگر حاضران دامه زندگانی به نحو سابق  
 نیستند . برای فرو نشاندن آتش آزاد و یخواهی این خلقها است  
 که روبرویونیستها خود را ناگزیرند دادن وعد های سرخرمن میکنند و  
 خلقها را به این دلخوش میسازند که ساختمان " قریب الوقوع "  
 کمونیسم در شوروی شکل گسای کلیه مصائب آنها خواهد بود .  
 به عقیده آنها پیشرفت اقتصادی شوروی برای کشورهای اسیرانکانات  
 وسیعتری برای پیروی در رتبه شان علیه امپریالیسم و ارتجاع فراهم  
 خواهد کرد و کویا این پیشرفت اقتصاد یسیاری از محافل استعمار  
 گر را بر خواهد انگیزد تا بدون زور و بلکازوری رضا و وضبت آهسته  
 آهسته حقانیت سوسیالیسم را نکرند و برینا چار و رر امان کام  
 بردارند .

در برنامه سرسوزیونیستی ککره یست دوم حزب کمونیست  
 شوروی چنین میخوانیم : " به مجرد آنکه ملت شوروی از پیروزی  
 های کمونیسم محظوظ گردید صد ها میلیون مردم دیگر جهان  
 خواهند گفت که ما موافق کمونیسم هستیم " و حتی در این صورت  
 گایپتالیستهای " به حزب کمونیست خواهند پیوست " . بنابراین  
 این خلقهای سرج جهان وظیفه دیگری ندارند بجز آنکه ستشانرا  
 روی دست بگذارند و منتظر آرزویشینند که در اثر پیروزیهای شکرف  
 سوسیالیسم و کمونیسم امپریالیسم و ارتجاع بخورد خود در  
 هم شکسته شود .

البته پیروزیهای سوسیالیسم در ریک کشور میتولند تشخیص  
 حق از ابطال را برای مردم اسیر جهان و پروتاریای کشورهای  
 کاپیتالیستی آسانتر سازد . ولی مارکسیست - لنینیستها هرگز  
 عقیده ندارند که بخش خاص حق از ابطال بتواند تمام تضاد های موجود  
 جهانی را حل کند و لزوم مبارزات انقلابی خلقهای اسیر را ابطال سازد  
 خلقهای اسیر جهان تنها با کوشش خود ، با گذشت و فدای کاری خود

جنگ و بینام . . . . . که روبرویونیستها نیز رتبه آن شرکت  
 دارند پشت پا زد ما ست ، خلقهای گیتی میداند که آنچه جنسگ  
 و بینام را برانگیخته فقط و فقط تجاوز امپریالیسم آمریکا است و از  
 اینجست جنگ و بینام فقط و فقط باشکست این تجاوز با یسد  
 خاتمه پذیرد . همچنانکه هر جنگی خصلت طبقاتی دارد هر  
 صلحی هم دارای خصلت طبقاتی است . رفیق هونی مین بد رستی  
 گفته است : " خلق و بینام عمیقاً بسته صلح است ، صلح حقیقی  
 صلح در استقلال و آزادی ، نه صلح در رفیقین " صلح امریکائی " .  
 صلح امپریالیستها صلح در رفیقین ، صلح آدم کشان ، صلح غارت  
 گران و زهرزنان است . صلح خلق و بینام در رجهای ماده پیشنها  
 جمهوری و موکراتیک و بینام و بیخ ماده پیشنها ی جبهه آزادی  
 بخش و بینام جنوی گنجانیده شده ما ست . هر پیشنها د دیگری که  
 تمام یا قسمتی از این مواد را نفی کند یا ندیده بگیرد پیشنها ی  
 است که از بیخ امپریالیستی آب میخورد . صلح در روتینام  
 همراه پیروی خلق و بینام بر امپریالیستهای آمریکائی فرا خواهد  
 رسید .



جها ماده پیشنها ی جمهوری و موکراتیک و بینام  
 جمهوری و موکراتیک و بینام به قرارداد ۱۹۵۴ و ژنوئیا اجتناب  
 احترام گذاشته و بطور مشخص خواهان بر رسمیت شناختن اصول  
 زیر است :

۱- محترم شمردن حقوق خلق و بینام جنوی بر صلح و استقلال  
 تمامیت ارضی و در دست داشتن حق تعیین سرنوشت خود .  
 دولت آمریکا بطریق قرارداد از ژنوئیا استفاده از رتبه و تجهیزات  
 نظامی را از خاک و بینام خارج ساخته و با یگا ههای نظامی  
 و قرارداد های نظامی را در روتینام جنوی منحل سازد و  
 دخالت و تجاوز و بینام جنوی و همچینر جنگها جمهوری و سر  
 کراتیک و بینام و سربیده تمامیت ارضی ایتامه دهد .

۲- در دوران قبل از وحدت یعنی تا زمانیکه جنوب و شمال  
 و بینام دو قاره یکدیگر جدا بسمیرنند ، با یستی مقررات نظامی  
 قرارداد و تزوید ا مرعات گردند . هیچیک از دو قسمت حق ندارند  
 به تعهدات نظامی بین در دهند و ارتش کشورهای خارجی را بسه  
 خود راه دهند .

۳- سرنوشت جنوب و بینام با یستی توسط خلق و بینام جنوی  
 مطابق برنامه جبهه آزاد بپوشش و بدون دخالت خارجیان تعیین  
 گردد .

۴- وحدت و دو قسمت و بینام با یستی از راه مسالمت آمیز و بدون  
 دخالت خارجیان تحقق یابد . این نیز خواست مردم کلیه دول و  
 خلقهای صلح دوست و عدالت طلب جهان را تشکیل داد و آنان  
 دارند را بر امروز پیشنها ی خویش قرار میدهند . به عقیده دولت  
 جمهوری و موکراتیک و بینام تنها از اینراه میتوان راه حل مسئله  
 و بینام را یافت . قبول این اصول شرایط مناسبی بوجود میآورد که  
 در آن میتوان به حل مسئله و بینام مبادرت ورزید . مطابق این  
 شرایط میتوان برای مسئله و بینام کنفرانسی نظیر کنفرانس ۱۹۵۰  
 ژنوئیا خوانند .

دولت جمهوری و موکراتیک و بینام اعلام میدارد که هر نوع  
 جهت گیری خاصی که مطابق اصول فوق نباشد دارای اعتبار  
 نیست . راه حلها ی از قبیل اینکه به سازمان ملل حق دخالت در  
 امور و بینام داد شود ، به هیچوجه قابل قبول نیستند زیرا این  
 راه حلها اساس موافقتنامه ژنوئیا میگردند .

پیروزان جنگ عا لانه و قهرمانانه خلق و بینام علیه تجاوز  
 جتا یگاران امپریالیسم آمریکا !

و اما مبارزات انقلابی خود میتوانند امپریالیسم و ارتجاع را در مقابل  
 ملی و جهانی سرکوب سازند .

بد یی است که ساختمان سوسیالیسم در کشورهاییکه طبقه  
 کارگر زیاد قوت و ولتی را در دست دارد ، میتواند باشد . شرایط  
 مادی و معنوی مناسبی برای کمک به مبارزات انقلابی خلقهای اسیر  
 جهان بوجود آورد . ولی این تنها یک سمت قضیه است . مبارزات  
 انقلابی خلقهای جهان نیز برای ساختمان پیروزی امپریالیسم  
 در کشورهای آزاد شده شرایط . . . بقیه در صفحه ۴

شوره نادرست . . . . . بر مبنی تافرد انبساط به امروز  
 تغییر کرد ، باقیم میدون عمل انتقاد از خود ، آموزش تود همانض  
 و عمل انقلابی بدسوانجام میگردد . در این زمینه ، لنین در کتاب  
 " چپ روی با بیماری کودکی در کمونیسم " مینویسد : " رویا یک  
 یک حزب سیاسی نسبت به خطاهای خود اتخاذ میکند محتملترین  
 و قطعترین ملاک سنجش جدی بودن حزب و اجرای وظایف وی  
 نسبت به طبقه خود تود مزیت کشان در عمل میباشد . اعتراض  
 علمی به اشتباه خود ، کشف علل آن ، تجزیه و تحلیل موقعیتی که  
 این اشتباه زائیده آن است ، مطالعه دقیق در مسائل رفیع این  
 اشتباه ، اینست علامت جدی بودن یک حزب ، اینست علامت عا  
 حزبی ، اینست آموزش و پرورش طبقه و سپس تود ما " .

بنابراین روش انتقاد از خود در ریک کلام یعنی پژوهش اشتباه  
 هات ، در ریک آن و کوشش در رجعت رفیع آن بد یی است که  
 برخوردار به اشتباه ( نه علل آن ) و اعتراض به آن ، خود کالی است  
 در رجعت اجرای این روش ولی تمام آن نیست بررسی خطا اکثر  
 رفیع آن تجزیه اندوزی برای آینده انجام نگردد و تنها سطحی  
 و ظاهری و منظور فقط اعتراف کردن و از انتقاد بگذران گریختن باشد  
 مفهوم واقعی خود را از دست ندهد ، یعنی خود فریبی و هوا پرستی  
 و سرشت اند بورد و ایستی خواهد داشت ، با یاید با چنین برخورد  
 غلطی با اشتباهات ، با چنین درک ناصحیحی از مفهوم انتقاد از  
 خود و با این روش غیر لنینی مبارزه کرد ، از سوی دیگر نظریه ای نیز  
 وجود دارد که عمل انتقاد از خود را از اجنبت که گویا وسیله ای برای  
 دشمن ، منظور سرکوشی خود و یا سازمان خود میداند ، مضر و خطر  
 ناک میبشرد . میاید اجتهامی چنین نظریه ای را معمولاً در رید اما  
 از تود ها و از صحنه مبارزه ، و ریشه معرفتی آنرا در آنکه نداشتن  
 به نیروی خود ، در ترس و بیم از نیروهای غیر خودی با یاید جستجو کرد  
 و قسمت ایست که اگر به نیروی خود و به حقانیت کار خود مطمئن  
 گردیم و معتقد باشیم که نقض وضعف کوشش بر اثر رشد آتی و ناگزیر  
 نهضت بر طرف خواهد گشت ، افزایش ای نواض و اشتباهات خود ،

از عمل انتقاد از خود ، به هیچوجه باکی نخواهیم داشت و این روش  
 را ، در دست بخاطر هموار کردن راهما بید ما ده خواهیم داد .  
 چنین روشی با یاید در ریک سازمان مارکسیستی - لنینیستی بکار  
 برد شود . هر مارکسیست ، لنینیستی با یاید شروع بکار کردن و بکار  
 بردن آن بنماید . با یاید این روش را که مسلمان را آقا یگاریستن آن ،  
 هنوز رنگ نرفته و رشد نیافتماست ، و متوسط داد . عمل انتقاد از  
 خود با یاید روابط انسانها را با یکدیگر ، انسانها را با سازمانها و  
 سازمانها را با یکدیگر تنظیم کند . اگر رفیقی در رابطه خود با رفیقی  
 دیگر و یا با سازمانی دیگر ، تا کتون دچار اشتباهاتی بود ، است  
 بوسیله عمل انتقاد از خود ، درصد رفیع این اشتباه برآید . اگر  
 سازمانی مارکسیستی - لنینیستی در مورد سازمانی دیگر و یا رفیقی  
 دچار خطا گردید ، با یاید انتقاد از خود را ببرد و در رابطه خود  
 تجدید بنموز نماید . در ریک کلام روش انتقاد و انتقاد از خود با یاید  
 حاکم بر روابط درونی و برونی هر سازمان مارکسیستی - لنینیستی  
 گردد . در اینراه با یاید کوشید ، وقت کرد و از خود گذشتگی شایان  
 نشان داد .

### دوستان!

نظریات ، مقالات و انتقادات خود  
 را برای ما بفرستید و در فروش و بخش  
 " توفان " ما را یاری کنید!  
 بهای " توفان " در ایران ۲ ریال ، در ترکیه معادل ۲ ریال و  
 در سایر کشورها معادل ۱۰ ریال است . بهای اشتراک یکساله  
 " توفان " معادل ۱۰۰ ریال است .

عنوان مکاتبات X GIOVANNA GRONDA  
 VIA SAN SISTO 6  
 MILANO / ITALY  
 حساب بانکی GIOVANNI GRONDA  
 BANK KONTO 12470 - 11  
 CREDITO ITALOANO  
 AGENZIA 16  
 MILANO / ITALY

مبارزه بخاطر وحدت

نیروهای مارکسیستی - لنینیستی ایران

همه

اتحاد و اتحاد از خود حل شود و مبارزه با دشمن مشترک در درون جنبش کارگری و کمونیستی... که ریزش و ریزش است... باید موارد مشترک جستجو کرد... این کار نه معنای ترک اصول است... نه بمعنای کجدار و مریز است... نه انقطاع است نه سازش... برعکس این شیوه صحیحی است که وحدت انقلابی را ممکن میگرداند... در زیر این صورت اگر تضاد های فرضی مسترزا تضاد عمده دانسته شود... اگر از حل تضاد های درون جنبش مارکسیستی... لنینیستی ایران براه حل تضاد های میان این جنبش و جریان ریزش و ریزش مشتبه گردد... اگر تضاد های فرضی بصورت مانعی برای وحدت نیروهای مارکسیستی لنینیستی ایران در آید و اینها را ریزش و ریزش به "جنگ داخلی" ببرد اخته شود... آموزش و یالکتیک مارکسیستی در عمل تقویت شده است... باید این نکته را بخوبی دریافت کرد... در تحصیل اوضاع بخیرینج ایران... در شناختن طبقات جامعه ایران... در اعمال قهر انقلابی... در ایران بسیاری از مسائل وجود دارد که هنوز حل نشده و باید در طی مبارزه ضد مارکسیست ها... لنینیست ها... پس از پژوهش های دقیق عینی... در جریان بحث و اتحاد عمیق و صمیمانه و پرشکبک حل شود... اگر ما تصور کنیم که با آشنائی با اصول کلی مارکسیسم... لنینیسم نسخه حل این مسائل را بدست آوردیم... و اگر تحمل نظریات و انتقادات دیگران را نداشته باشیم... از برخورد مارکسیستی بدور افتاده... اصولا به تحکیم وحدت ایدئولوژیک و سیاسی و ایجاد وحدت سازمانی نیروهای مارکسیستی... لنینیستی ایران زبان رسانده ایم... باید مرز میان مارکسیست ها... لنینیست ها... از یک سو و ریزش و ریزش ها را از سوی دیگر روشن و مشخص نگه داشت تا به اصولی بودن وحدت زبانی وارد نیاید... و نیز باید هشدار بود که هیچ مرز مشخصی میان مارکسیست ها... لنینیست ها... حاصل نشود... تا شکل همه نیروهای مارکسیستی... لنینیستی صورت پذیرد... برهنگامی که نیروهای مارکسیستی... لنینیستی ایران در درجه اول بسود امپریالیسم... بسود ارتجاع ایران... بسود ریزش و ریزش جهانی و ریزش و ریزش های ایرانی است... بیگانه همگامی نیروهای تیره نقش خود را در ادامه و تشدید این پراکندگی بازی میکنند... برعکس مارکسیست ها... لنینیست های واقعی با نقلا بدون ایران مشتاق وحدت هر چه زود تر هر چه استوارتر افراد گروهها و سازمانهای مارکسیستی... لنینیستی و حرکت بسوی احیای حزب طبقه کارگر ایران اند.

دستاخیز سیاهان در آمریکا

جانسون رئیس جمهور آمریکا... جنبش طبقه و بیامانده سیاهان امریکا را " جنبایت نسبت به قانون " نامیده است... که ام قانون همان قانونی که نازیان توانگران ستکار بر کرده... تهدید ستان سندکس است... همان قانونی که سوطا به داری امریکا در میان چرخ و خون ولادت خود پیدا آورد... همان قانونی که اسارت میلبور... نهار مرد شریف قاره دیگر را برای بردن در پیروزی و امروزی امریکا تضمین کرد... همان قانونی که سیهکارتی نظیر جانسون نگهبان آتند.

این حقیقت روز بروز عیان تر میشود... که هر ساله هزاره ها ستم طبقاتی است... ستم نژادی را شاید ستم طبقاتی است... هر افتادن ستم نژادی با بر افتادن ستم طبقاتی ملازمه دارد... سیاهان امریکار در زیر یوغ دوگان نژادی و طبقاتی بسوز میزند... و با ستکمان طبقاتی سفید پوست امریکا دارای هدف مشترک اند... که عبارت از سوزگویی نظام امپریالیستی امریکا است... بنابراین پیکار دو لایه سیاهان امریکا بخشی از مبارزه مشترک خلقهای جهان... و از آن جمله سفید پوستان زحمتکش امریکا... بر ضد امپریالیسم امریکا است... تشخیص این تکو شناختن وست از دشمن یکی از مهمترین وظایف جنبش سیاهان است.

ده ها سال مبارزه سیاهان امریکار این حقیقت رسانده که سرفراندگی... بر داری... خواهشی ولایه در برابر امپریالیسم جز اینکه وی را جبری تر و خونخوار تر گرداند... شری نخواهد داشت... اینک سیاهان امریکا با شناخته اند تا قهر ضد انقلابی را با قهر انقلابی ریزش و ریزش و گولک را با گولک پاسخ گویند... جنبش اخیر آنها که سراسر امریکار را فرا گرفت... روزی این شعار مرقس جریان یافت... عملی ساختن این شعارها من پیروزی سیاهان است.

امپریالیسم امریکار که بعد از صدها خلقهای جهان افتاده است... در قلب خود با حسب حد... از زمین آواران ضد امپریالیستی روسیه... میشود... اکنون بین همه کانونهای انقلابی در دنیا و از آن جمله کانون های جنگ پارتیزانی امریکای لاتین با این جنبه داخلی امریکار رشته های دوستی و همزبانی و معاضدت تا باید شده است... و بسوی پیوسته نیست که فریاد پراخ طبقات جانسون بلند است... بسوی پیوسته نیست که ریزش و ریزشها زهر سوسه گستن این رشته ها و خاموش کردن آن کانونها شناخته اند... متحدانی نیست که سرگرد و ریزش و ریزشها شیطانی مفتخرانه فریاد میکنند... که در کشور و جانی برای جنگ پارتیزانی نیست... این جنگ عادلانه خلق را " عملیات ضد دموکراتیک " مینامد... این گزین سرگردان که در دامن " دموکراسی امپریالیستی " پیروزی یافته اند... و گولک امپریالیستها را سخنگوی دموکراسی میشوند... از روزی که دموکراسی خلق به تب و لرزه میافتد... و گولک خلقها را ناسا... بود کننده... دموکراسی میخوانند... ولی علی رقم امپریالیستها و ریزش و ریزشها... همین گولک سیاهان امریکار بشیر دموکراسی امریکا است... گولک سیاهان امریکار صفر ریزش و ریزش خلق در امریکاست.

رفیق مائوتسه درون در اعلامیه یک چهار سال پیش... که امریکار از مبارزه سیاهان امریکار در جریان تازه ای به این مبارزه بخشید... و بسوی یکی از رهبران سیاهان... آنرا ناسطح انقلاب جهانی ارتقا داد... چنین گفت: " سیستم مغفورا ستعنا رو امپریالیسم که آغاز رونق آن با اسارت و خرید و فروش سیاهان همراه بود... همراه با آزادی کامل خلقهای نژاد سیاه از میان خواهد رفت... اینک تاریخ در وجهتی که رفیق مائوتسه درون نشان داد... به پیش میرود.

اینک که گرد آوردن و سازمان دادن همه نیروهای مارکسیستی... لنینیستی ایران در دستور روز قرار ارد تشخیص این نکته ضروری است... که در جنبش کارگری و کمونیستی کشور تضاد عمده در کجا است... زیرا که بدون تشخیص این تضاد نمیتوان در گرد آوردن و سازمان دادن همه نیروهای مارکسیستی... لنینیستی ایران سمت گیری درستی اختیار کرد.

رفیق مائوتسه دون میگوید: " در بررسی هر پرسوه بغرنج که در آن تضاد یا بیشتر وجود دارد... باید بگوئیم که تضاد عمده را بیابیم... آنگاه که این تضاد پیدا شد... همه مسائل با آسانی حل میشود.

تضاد عمده در جنبش کارگری و کمونیستی ایران همان تضاد عدلهای است... که در جنبش کارگری و کمونیستی جهان وجود دارد... یعنی تضاد میان مارکسیستها... لنینیستها از یک سو و ریزش و ریزشها از سوی دیگر... کلیه کسانی که با آموزش مارکس و انگلس... لنین و استالین و مائوتسه درون وفا دارند... و در راه آن مبارزه میکنند... در صف واحد اند... و میتوانند با پیرو وحدت سازمانی ناآل آیند... و افرادی که از این آموزش انقلابی روی برنافتند... به ریزش و ریزش خسرو شفی پیوسته... بر راه امپریونیسم افتاد... ماند در صف دیگرانند... این بزرگترین صف آرا... در جنبش کارگری و کمونیستی ایران است.

البته در میان افراد و گروهها سازمان های مارکسیستی... لنینیستی ایران نیز تضاد هایی وجود دارد... تضاد بر سر نتیجه گیری از تجارب گذشته... تضاد در راههای مشخص انقلاب قهرآمیز... در ایران... تضاد با پای سیاسی و سازمانی... روز و روزی ملی ایران... تضاد بر سر سازمانها... نبود... و بصیرت و تجربه... اینها اختلافات کوچک نیست... اختلافات اصولی است... معذک تضاد های مذکور تضاد های فرضی است... اگر افراد و گروهها و سازمانهای مارکسیستی... لنینیستی تضاد عمده جنبش کارگری و کمونیستی ایران را در پیابند... و هدف عمده برادرست بشناسند... میتوانند تضاد های درونی خویش را... که از زمره تضاد های درونی خلق است... بسوی حل کنند... تضاد میان این افراد و گروهها و سازمانها... باید از طریق مبارزه ایدئولوژیک و مذاکره و

جنگ و صلح... مادی و منوی مناسب را بوجود آورد... مارکسیست... لنینیستها آنها یک سمت این مسائل نمیکردند... بلکه آنها میگوشتند... این در هر اد ارتباط شان بسا یشد... بگرد نظر گیرند... فراموش کردن یک سمت... بدید میروید... مادن به سمت دیگران... و از تفکر صحیح... دیا لکتیکی بدور است.

حقیقت اینست که ریزش و ریزشها... بگریه امر اساختان... سوسیالیسم در کشور خود هم علاقهای مند آرند... والا هرگز ارتباط حیاتی پیروزی سوسیالیسم و کمونیسم از یک طرف با مبارزات انقلابی خلقهای آسیا و اروپولتا برای کشورهای کاپیتالیستی راناد... بد میگوشتند... بدین ترتیب دچار ناسیونالیسم و شورنیسم عظم طبقه اند... نمیگردند... بد و سه خلقهای آسیا سراسر جهان... و سه سرخون نمیدانند و آنها سارا از مبارزات انقلابیشان باز نمیداشتنند.

انتخابات... بقیه از صفحه ۱  
اما چه خوشبخت خواهد بود محمد رضا شاه اگر ریزش و ریزشها مردم ایران رایه چنین انتظاری بکشاند! سیاست کلی ریزش و ریزشها... د دیگری جز یاری محمد رضا شاه ندارد. مردم ایران بمناسبت صحنه سازی انتخاباتی شاه باردیگر در برابر این دوره قرار میگیرند... راهی که ریزش و ریزشها نشان میدهند... یعنی راه امید بس حکومت موجود... راه دلستکی به

تجربه تاریخ عملاً خلقهای اسیر جهان ثابت کرده است که در مقابل آنها تنها یک راه وجود دارد... بگا بردن شیوه قهر انقلابی برای سرکوبی امپریالیسم جهانی و ارتجاع... و دولت های سوسیالیستی تیزاگر خواهند بود... پیروزی کامل در اساختان سوسیالیسم... کمونیسم ناقل آیند... باید پیروزی خود را بسا خلقهای اسیر و زحمتکش جهان... مستحکم نگاه دارند... و یک لحظه هم از ششانی مستقیم مبارزات انقلابی خلقهای جهان غافل نمائند... بهمین دلیل لنین در نوشته خود بنام " سیاست خارجی انقلاب روسیه " سیاست خارجی پرولتاریا را اینگونه شرح میدهد: " هستگی کامل با انقلابیون کشورهای حترقی و اتانام ملل آسیا... در هر شکل که لازم باشد. "



عقب نشینی های رژیم و راهی که مارکسیستها... لنینیستها و همه انقلابیون واقعی ایران دنبال میکنند... یعنی راه سوزگویی حکومت ضد ملی و د ست نشاندن... محمد رضا شاه... بسویله قهر... راه دوم راه مردم ایران است... روز بروز افراد و سازمانهای تازه ای به اینراه میگویند... اینراه دشواریهای فراوان دارد... و جانیاز بهای بسیاری میخواهد... ولی بدین تریه دیگران راه پیروزی است... برای خلق زنجیده... مآزادی... دموکراسی خواهد آورد... پیروزی از مبارزه قهرآمیز خلقی ایران علیه ارتجاع و امپریالیسم که رژیم محمد رضا شاه نمایندند آنهاست!

توضیح

در شماره گذشته نشریه توقان در بیان مقاله " رهبری طبقه کارگر در انقلاب ملی و دموکراتیک " ( صفحه ۳ ستون ۳ ) که حزب از قلم افتاد... مصطفی قزق... توضیح میشود.

در واقع این نظریه... یعنی لزوم کوشش طبقه کارگر برای تأمین سرگردگی خویش... به نفی لزوم حزب طبقه کارگر... نجامد.